

انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ هشتم تیرماه، واجد پیام‌های مهمی از طرف مردم برای حاکمیت و نیروهای سیاسی بود. از یک طرف، عدم مشارکت حدود ۶۰ درصدی در این انتخابات، از وجود نارضایتی گسترده در جامعه خبر می‌داد؛ این انتخابات نشان داد که عمق نارضایتی و عدم اعتماد به حکومت و گستردگی شکاف دولت - ملت به میزانی شدت گرفته است که به سادگی و تنها با چند شعار و وعده انتخاباتی برطرف نمی‌شود.

از سوی دیگر، رأی‌هایی نیز که با رویکرد مشارکت اعتراضی در انتخابات به نفع دکتر مسعود پزشکیان در صندوق‌ها ریخته شد، در حدی بود که با وجود مشارکت کم مردم در انتخابات، باز هم فردی که نماد اعتراض و امید به تغییر قلمداد می‌شد، در رتبه نخست قرار گرفت. ناتوانی جریان محافظه‌کار از اجماع بر یک کاندیدا و کاهش چشمگیر مجموع آرای این جریان نسبت به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، افزون بر آن که دلالت بر تشدید تضادهای ترمیم‌ناپذیر درونی ساختار قدرت داشت، نشان داد که تندروهای طرفدار حاکمیت و جریان نومحافظه‌کار مستقر بر ارکان قدرت، پایگاه اجتماعی سابق خود را تا چه حد از دست داده‌اند و دیگر نفوذ و اعتبار چندانی در بین حامیان سنتی خود هم ندارند.

حاکمیت باید متوجه این موضوع بشود که مشارکت سیاسی مردم و حضور در پای صندوق رای، نباید به نمایشی صوری برای کسب مشروعیت یا مانور اقتدار تنزل پیدا کند، بلکه تک‌تک آرای که اخذ می‌شود، واجد ظرفیتی اخلاقی و سیاسی است که می‌تواند مویذ همبستگی ملی راستین و امنیت ملی پایدار و معرف اراده ملت برای تعیین سرنوشت خود ارزیابی شود.

بنابراین، نمی‌شود روزی مردم را بی‌پروا در خیابان سرکوب کرد و روزی دیگر خواستار مشارکت حداکثری آن‌ها در انتخابات شد و آرای مردم معترض به وضع موجود را به نفع ساختاری مصادره کرد که بانی اصلی ابربحران‌های جاری در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی بوده است. مردم ایران نشان داده‌اند که در هر فرصت، چه در خیابان و چه در پای صندوق‌های رای، با شجاعت و فداکاری و دوراندیشی و پافشاری بر ارزش‌های بنیادینی مانند آزادی و عدالت و حاکمیت ملت، حقوق اساسی خود را مطالبه خواهند کرد.

حاکمیت نیز مکلف به تمکین و اصلاح خود مطابق خواسته‌های تاریخی ملت در انقلاب ۵۷ می‌باشد و در غیر این‌صورت، جز خسران و فروپاشی، نصیبی نخواهد داشت.

#### ملت شریف ایران

ابر سیاه ابربحران‌هایی که آسمان امید ایرانیان را تیره و تار ساخته، برخاسته و برآمده از آتشی است که در طول چهار دهه گذشته بر خرمن آرمان‌های اولیه انقلاب در آزادی، عدالت، ارزش‌های اخلاقی، حاکمیت ملت و سیاست نه شرقی نه غربی افتاده و بدیهی است که پراکندن ابرهای متراکم، نه کاری زود و با زور، بلکه نیازمند تقویت جامعه مدنی و تداوم فرآیندی تدریجی است که با تمرین و کسب تجربه در مسیر دشوار آزادی به دست می‌آید.

پایه‌گذاران نهضت آزادی ایران همواره تحولات اجتماعی را با سیاست گام به گام و تدریجی تحقق‌پذیر می‌دانستند و بر این باور بودند که تغییر و تحول در نفوس ملت‌ها تنها با تغییرات درونی با رویکرد اصلاحات جامعه‌محور حاصل می‌شود و نه با دخالت بیگانگان و نه با کودتای نظامی، عملیات مسلحانه، براندازی و شورش توده‌های خشمگین.

با روشن شدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری در مرحله اول، ملت ایران بار دیگر در آزمون سخت‌تری میان گزینش نماد افراطی‌گری و نماد اصلاح و تعادل قرار گرفته است.

نهاد انتخاباتی در این شرایط به عنوان یک فرصت برای اعمال اراده مردم مطرح است و از این زاویه، مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری اهمیتی دوچندان دارد؛ عمل جمعی و هماهنگ مردم برای تجدید رای اعتراضی به حاکمیت تمامیت‌خواه می‌تواند پیامی رساتر از مرحله قبل داشته باشد.

نهضت آزادی ایران در ادامه راهبردی که در مرحله اول در پیش گرفت، اتحاد ملت و تجمیع همه معترضان در مرحله دوم انتخابات را برای مقابله با مخالفان آزادی و حاکمیت ملت و برای جلوگیری از روی کار آمدن «دولت واپسگرا و ضدتوسعه» امری ضروری می‌داند و از مردم شریف ایران دعوت می‌کند که در گام دوم، با دادن رای به نفع دکتر مسعود پزشکیان، اعتراض خود را به نمادهای تحجر، استبداد و انحصار به نمایش گذارند. می‌توان امیدوار بود که روزه‌ای از تاریکی‌ها به سوی نور و تحقق آرمان‌های ملت به همت مردم و توفیق الهی گشوده شود.